

Jurisprudential Principles of Liability due to the Action of Another person ¹

Mohammad Imami

Assocait Professor at the Department Of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Razavi University of Islsmic Sciences, Mashhad- Iran; dr.imami@razavi.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0002-0544-7771>

Hojjat Pouladin-Toroqi

Ph.D Student of Private Law at Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; Hojjatpooladin1371@gmail.com

Mohammad Javad Mohammadi Moghaddam

M.A. Student of Jurisprudence and Principles of Islamic Law at Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; Mjm.moghaddam@gmail.com

Mohsen Farahzad

Ph.D Student of Private Law at Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; Mohsenfarahzad@yahoo.com

Receiving Date: 2022-04-14; Approval Date: 2022-09-08


**Justārḥā-ye
Fiqhī va Uṣūlī**

Vol.9, No.30
Spring 2023

133

Abstract

In some cases, it is observed that a person commits the crime, but the liability lies with another person. Such as the government's liability for some damages caused by its employees. However,

1. *Imami. M;* (2023); " Jurisprudential Principles of Liability due to the Action of Another person " ; *Jostar_ Hay Fihi va Usuli*; Vol: 9 ; No: 30 ; Page: 133-160 ;  10.22034/JRJ.2022.63447.2444

© 2022, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

this contradicts the general principle that the punishment is directed at the person and the liability directed at the perpetrator, which is based on several verses of the Holy Qur'ān. Now the question arises that what are the rules in Islamic jurisprudence that can prove this liability. So far, attempts have been made to answer this question, which do not seem to be convincing. Compiled analytically, this study tries to provide a comprehensive answer to the above question. Criticizing referring responsibility of others to the principle “*Whoever benefits, the loss will also be his responsibility*” or the principle “*the instigator is stronger than the principle offender,*” this conclusion has been reached that it is based on *tanqīh manāṭ* (refinement of the basis of a ruling) raised in the jurisprudence or the extraction of the religious shariat tendency from the many cases in the words of the jurists that the responsibility for the act of one person is given to another, it can be considered as the dominance of the third party and his authority over the perpetrator, or it can be used the intellectual’s procedure to prove it.

Keywords: Civil liability, third party, principle offender, instigator, jurisprudential rule.

مبانی فقهی مسئولیت ناشی از فعل غیر^۱

محمد امامی

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد-ایران؛ (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:
dr.imami@razavi.ac.ir

حجت پولادین طرقی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد-ایران؛ دانش آموخته حوزه علمیه مشهد.
Hojjatpooladin1371@gmail.com؛ رایانامه:

محمد جواد محمدی مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد-ایران.
Mjm.moghadam@gmail.com

محسن فرحزاد

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد-ایران. Mohsenfarahzad@yahoo.com

مبانی فقهی مسئولیت
ناشی از فعل غیر

۱۳۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷

چکیده

در مواردی مشاهده می‌شود که شخصی مرتکب فعلی می‌شود اما مسئولیت آن متوجه دیگری است؛ مانند مسئولیت دولت در قبال برخی از خسارات وارده توسط کارکنان، درحالی که این با اصل کلی شخصی بودن مجازات و توجه مسئولیت به مرتکب آن، که مستفاد از آیات متعددی از قرآن است، منافات دارد.

۱. امامی، محمد. (۱۴۰۲). «مبانی فقهی مسئولیت ناشی از فعل غیر». فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. ۹ (۳۰): صص: ۱۳۳-۱۶۰. <https://orcid.org/0000-0002-0544-7771> ID

اکنون سؤال پیش رو، این است که آیا این موارد در فقه اسلامی قابل رصد بوده و مبانی فقهی آن چیست؟ تاکنون برای پاسخ به این سؤال تلاش‌هایی انجام شده که به نظر قانع‌کننده نیست. این مقاله که به شیوه تحلیلی تدوین شده، درصدد ارائه پاسخی جامع به پرسش فوق است. پس از نقد استناد مسئولیت غیر به قاعده «من له الغنم فعليه الغرم» یا قاعده «اقوی بودن سبب از مباشر»، این نتیجه حاصل شده است که به تنقیح مناط از موارد مطرح شده در فقه یا استخراج مذاق شریعت از موارد متعددی که در لسان فقها مسئولیت فعل یک شخص به دیگری داده شده، می‌توان مبنای آن را تسلط شخص ثالث و اقتدار او نسبت به مرتکب عمل برشمرد و یا از بنای عقلایی برای اثبات آن بهره جست.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، فعل غیر، شخص ثالث، اقوی بودن سبب، مباشر.

مقدمه

مسئولیت ناشی از فعل غیر؛ به این معناست که شخصی خسارتی وارد آورده و عمل منتسب به او باشد اما مسئولیت آن متوجه شخص ثالثی باشد؛ به‌عنوان مثال کارگر در حین انجام کار به دیگری خسارت وارد می‌سازد اما بر اساس ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، غرامت آن کلاً یا جزئاً به عهده کارفرما است. همچنین اگر مربی تقصیر کرده و مرتکب عملی شود که مسئولیت مدنی دارد، از آنجایی که آن خسارت به خود او منتسب است، مسئولیت ناشی از آن متوجه شخص مربی است؛ زیرا خسارت به خود مربی منتسب است و در صورتی که مربی ملات مالی نداشته باشد، بر اساس ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، خسارت باید از مال کودک جبران شود. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که طبق چه معیار و مبنایی از مال کودک برداشته می‌شود در حالی که ضرر منتسب به مربی است؟

حال، اگر قراردادی در بین باشد که به‌طور صریح یا ضمنی مسئولیت ناشی از فعل غیر را برقرار کند؛ مثلاً شخصی که بچه شروری دارد با مربی مهدکودک قرارداد می‌بندد که اگر طفل خسارتی به اموال یا بچه‌های مهد وارد کرد مربی ضامن باشد یا در مسئله کارگر و کارفرما اگر کارفرما بر اساس قراردادی ضمانت را به عهده

جستارهای
فقهی و اصولی
سال نهم، شماره پیاپی ۳۰
بهار ۱۴۰۲
۱۳۶

فرد دیگری (بیمه) گذارد یا از اول شرط کند که من مسئولیت خسارت را برعهده نمی‌گیرم، این موارد محل بحث نیست زیرا منشأ ارادی دارد. فرض ما در موردی است که یا مسئولیت، خارج از قرارداد است یا اگر مسئولیت قراردادی است در قرارداد، مسئولیت ناشی از فعل غیر بیان نشده است. در چنین مواردی اصل اولی در مسئله، این است که هرکسی مسئول اعمال زیان‌بار خودش است و این طور نیست که دیگری را به خاطر اعمال فردی دیگر مسئول بدانند و نمی‌شود بدین قول شاعر عمل نمود:

«گنه کرد در بلخ آهنگری

به شوشتر زدن گردن مسکری»

اصل شخصی بودن مجازات که در ماده ۱۴۱ ق.م.ا نیز آمده است، در حوزه مسئولیت کیفری مؤید این اصل است؛ اصل مزبور بیان می‌دارد که هیچ کس را به خاطر جرم دیگری مجازات نمی‌کنند و فقط خود مرتکب جرم، مسئولیت کیفری دارد (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۱۲۸/۲).

مستندات فقهی این اصل کلی آیاتی مانند: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدثر/۳۸)، «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُوْنَ عَمَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ» (بقره/۱۳۴)، «لاتزر وازرة و زراخری» (انعام/۱۶۴؛ اسراء/۵؛ فاطر/۸؛ زمر/۷؛ نجم/۳۶) و ... است.

لکن در موارد پیش گفته که مسئولیت متوجه غیر شده است این سؤال پیش رو است که آیا در منابع فقهی مبنایی برای چنین مسئولیتی وجود دارد یا خیر؟

سابقه پژوهش و نوآوری

تاکنون در هیچ‌یک از نگاهشته‌های موجود با روش به کار رفته در این نوشته به این موضوع پرداخته نشده است. فقط در مقاله «نگرش فقهی به مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر» از سید روح‌الله علویان در مجله گفت‌مان حقوقی، شماره ۲۷ این مسئله با استفاده از دلیل حکم حکومتی بررسی شده است. حال آنکه در این نوشته با استفاده از ادله دیگر و به‌عنوان حکم اولی (تنقیح مناط، بنای عقلا، مذاق شریعت) مورد بررسی قرار گرفته است.

مبنای فقهی استناد مسئولیت به غیر

برخی از قواعد و اصول فقهی که به عنوان مبنای استناد مسئولیت به غیر مطرح شده یا قابلیت طرح را دارا است. در اینجا مطرح گردیده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. اقوی بودن سبب از مباشر

چون در ایجاد افعال زیان‌بار و خساراتی که از این افعال ناشی می‌شود دو شخص دخالت دارند؛ یکی مباشر و دیگری سبب و در صورت اقوی بودن باید خسارت را پرداخت کند. به عنوان مثال در بحث کارگر و کارفرما، کارگر مباشر محسوب می‌شود و کارفرما سبب یا در مباحث مربی مهدکودک، کودک مباشر و مربی سبب است.

نقد و بررسی

به نظر می‌رسد در مورد بحث نمی‌تواند اقوی بودن سبب، مبنای مسئولیت قلمداد شود؛ زیرا این دو، دو مسئله متفاوت از هم هستند، چون در مسئولیت مدنی اعم از مسئول دانستن سبب یا مباشر باید رابطه علیت و قابلیت استناد فعل زیان‌بار به مسئول آن وجود داشته باشد در حالی که در مسئولیت ناشی از فعل غیر، خسارت و فعل زیان‌بار منتسب به غیر (کارگر/طفل) است و کارگر فاعل بالاراده است ولی در سبب اقوی از مباشر، خسارت منتسب به سبب است و مباشر را در حکم چوب دستی و وسیله ارتکاب فعل زیان‌بار می‌دانند؛ همانند اینکه شخصی سگی را تعلیم دهد که سرقت کند یا به دیوانه یا طفلی دستور فلان عمل زیان‌بار را بدهد (نظری، ۱۳۹۲، ۲۳۸؛ صفایی، ۱۳۹۷، ۳۲۲؛ باریکلو، ۱۳۸۵، ۹۶). به عبارتی دیگر، نقش مباشر به جهت تأثیر سبب در اجتماع سبب و مباشر، چنان نیست که عرف تلف را مستند به فعل مباشر نماید و مباشر مانند واسطه انجام فعل و وسیله ارتکاب فعل زیان‌بار است. ولی در مسئولیت ناشی از فعل غیر، رابطه عرفی بین فعل مباشر که در مثال همان کارگر باشد برقرار است هر چند شاید بتوان در مواردی که مباشر فاقد اراده است، همانند طفل در مسئول دانستن مربی یا پدر، از باب سبب اقوی از مباشر مسئول باشند. ولی این مبنا از آنجایی که نمی‌تواند نسبت به تمام موارد مسئولیت ناشی از فعل غیر باشد، اعم از جایی که مباشر فاعل بالاراده یا فاقد اراده است، قابل پذیرش نیست. به دیگر سخن

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۰

بهار ۱۴۰۲

۱۳۸

این دلیل و مبنای ادعایی اخص از مدعی است و نمی‌تواند ادعا را به اثبات برساند. نکته‌ای دیگر که قابلیت طرح دارد این است که با توجه به اقوی بودن سبب از مباشر، بار نمودن مسئولیت بر مباشر، موجب ظلم بر او است که بر اساس ارتکاز عقلا و قبح عقلی ظلم، باطل است. حال آنکه در مسئله مسئولیت ناشی از فعل غیر اگر ضامن، به غیر نسبت داده شود، از نظر ارتکاز عقلا ظلم صورت نمی‌پذیرد.

۲. قاعده من له الغنم فعلیه الغرم

مستندی دیگر که ممکن است به عنوان مبنا در این بحث در نظر گرفته شود قاعده «منفعت» است؛ بدین معنی که بر اساس این قاعده کسب سود و منفعت از یک مال یا عمل ملازم است با بر عهده داشتن خسارات وارده از آن مال یا عمل. در نتیجه در مسئله مورد بحث می‌توان گفت که با توجه به سودی که افراد از متعلقات پیرامونشان می‌برند بر مبنای قاعده منفعت، ضامن خسارات ناشی از آن هم هستند.

نقد و بررسی

پس از بررسی حجیت قاعده فوق به ارزیابی این قاعده از این جهت که می‌تواند مبنا در مسئله مورد بحث قرار گیرد، پرداخته می‌شود.

مبانی فقهی مسئولیت
ناشی از فعل غیر

۱۳۹

۱-۲. ارزیابی سندی قاعده

عین عبارت قاعده در مصادر حدیثی شیعی وارد نشده است لکن مضمون این قاعده در موثقه اسحاق بن عمار نقل شده است. به این ترتیب که راوی از امام علیه السلام می‌پرسد: اگر شخصی خانه و غلام خود را به رهن بگذارد در فرض وارد شدن خسارت، خسارت بر عهده کیست؟ امام علیه السلام در پاسخ می‌گوید بر عهده مالک. در ادامه این بحث پرسش و پاسخی دیگر مطرح می‌شود و در انتهای روایت امام علیه السلام می‌فرمایند: «یکون علیه ما یکون له»؛ همان گونه که خسارت بر عهده اوست نفع هم بر عهده اوست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/۲۳۵). مضمون این روایت ضمان خسارات ناشی از هر چیزی است که فرد از آن سود می‌برد. سید محمد کاظم طباطبایی در ذیل این حدیث می‌فرماید: آنچه مستفاد از این روایت است یک قاعده کلی است که عبارت

است از: «(من له الغنم فعلیه الغرم)» (یزدی، ۱۴۲۱ق. ۵۶/۲). برخی در بحث مسئولیت مدنی نیز به این قاعده استناد کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۲۲۵). بعضی نیز در بحث مسئولیت بیمارستان در برابر خسارات ناشی از پزشک (مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر) به این قاعده استناد کرده‌اند (طباطبایی و شننور، ۱۳۹۳، ۴۰). بنابراین، این قاعده از حیث سند تمام و قابل قبول است.

۲-۲. ارزشیابی دلالتی قاعده

به نظر می‌رسد از این قاعده هم نتوان در راستای مبناسازی فقهی مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر استفاده کرد؛ زیرا:

اولاً: این نظریه شامل تمام مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر نمی‌شود و به عبارتی دیگر این دلیل نیز اخص از مدعی است. به عنوان مثال: پدر از طفل چه انتفاعی می‌برد تا مسئول اعمال وی باشد؟

ثانیاً: در مثال ضمان کارفرما در قبال خسارات ناشی از فعل کارگر اگر مینا منفعت و سودآوری باشد، کارگر هم نسبت به فعل خودش منفعت می‌برد و منفعت طرفینی است، پس به چه علت فقط کارفرما ضامن خسارات وارده است؟

ثالثاً: این مینا درباره منفعت معنوی و منفعت بالقوه سکوت کرده و مشخص نیست که شخص در قبال منفعت معنوی و منفعت بالقوه نیز مسئول است یا خیر.

جستارهای
فقهی و اصولی
سال نهم، شماره پیاپی ۳۰
بهار ۱۴۰۲
۱۴۰

۳. اقتدار، تسلط و اشراف

ممکن است گفته شود اقتدار کارفرما، ولی و مربی کودک ضابطه و ملاک مسئولیت ناشی از فعل غیر است و هر جا اقتدار و تسلط باشد، صاحب آن نسبت به افراد تحت سیطره خود مسئول است. برای اثبات این مینا باید ابتدا مواردی که از نظر فقهی دلالت بر مبنای تسلط در مسئولیت ناشی از فعل غیر دارد، جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گیرد. سپس از این موارد با استفاده از ادله، مبنای تسلط در ایجاد مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر اثبات گردد. لذا لازم است برای به دست آوردن ملاک و مناط حکم ضمان و مسئولیت مصادیق آن بررسی شود.

۱-۳- موارد مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر در لسان فقها

در فقه اسلامی مواردی وجود دارد که به نظر می‌رسد ملاک و مناط ضمان در آن‌ها سیطره و تسلط صاحب آن است. این موارد در ادله فقهی ملاحظه می‌شود و تسری آن به مثل مسئله کارفرما، ولیّ طفل و مربی مهدکودک، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۱-۳- ضمان راکب، سائق و قائد حیوان

مشهور میان فقیهان این است که راکب دابه و حیوان؛ یعنی شخصی که بر حیوان سوار است، ضامن خساراتی است که از ناحیه دست و سر حیوان وارد می‌شود اما ضامن خسارات وارده از سمت پاهای حیوان نیست. قائد حیوان یعنی شخصی که افسار حیوان را گرفته و می‌کشد همانند راکب فقط ضامن خسارات دست و سر حیوان است. سائق حیوان هم یعنی شخصی که حیوان را از عقب سوق می‌دهد و می‌راند ضامن تمام خساراتی است که از ناحیه حیوان وارد آید. همچنین راکب و قائد اگر حیوان را متوقف کنند ضامن کلیه خسارات می‌باشند (فاضل‌آبی، ۱۴۱۷ق، ۶۴۸/۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۶۱/۱۰؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ۲۷۵/۱۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲۱۰/۶).

برخی از فقها علت ضمان را قدرت و اقتدار می‌دانند؛ راکب و قائد، چون در حال راه رفتن فقط قدرت بر دستان و سر حیوان دارد لذا فقط ضامن خسارات وارده از ناحیه دست و سر هستند اما چون این دو قدرتی بر پاهای حیوان ندارند لذا ضمانی هم ندارند. همین‌طور شخص سائق، قدرت بر تمام اعضای حیوان دارد؛ زیرا او حیوان را از عقب سوق می‌دهد و تسلط کامل بر حیوان دارد (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۶۵/۱۰).^۱ قدرت عبارت اخری «سیطره و سلطنت» است؛ چون تسلط دارند ضامن هستند همان‌طور که برخی تصریح کرده‌اند وجه تفصیل در مسئله، سیطره‌ای است که راکب، قائد و سائق دارند^۲ (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ۲۹۸/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۴۱/۴۳؛ روحانی، بی‌تا،

۱. «علت ضمان: علة الضمان و هي القدرة علی حفظ ما بضمن جنابته».

۲. «لكن يحتمل في الروايات أن لا تكون سبقت للتعبّد بها، بل لإحراز موضوع ما تنطبق عليه الضابطة المتقدمة بلحاظ أن قائد الدابة و راکبها متمكّن من السيطرة علی مقادیمها و سائقها و الواقف بها متمكّن من السيطرة علی رجلها أو علیها مطلقاً عادة».

۳/۳۸۶).^۱ در بحث تصادف دو کشتی در دریای مواج، فقها به عدم ضمان دو سائق کشتی نسبت به خسارات وارده بر دیگری رأی داده‌اند. آن مطلبی که مؤید بحث در ملاک تسلط است این است که فقها برای بیان علت عدم ضمان فرموده‌اند: این بحث با این حالت که اگر دو اسب از کنترل راکبشان خارج شوند و خساراتی را به بارآورند راکبین ضامن نیستند، دارای وحدت ملاک است (عاملی، سید جواد، بی تا، ۳۸۸/۱۰؛^۲ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ۱۱/۲۹۴؛^۳ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۳/۱۱۲). عبارت «عَلَبْتَهُمَا دَابَّاتُهُمَا» در کلام فقها دلالت دارد بر اینکه عدم سلطه راکب نسبت به مرکب علت عدم ضمان راکبین نسبت به خسارات وارده از طرف دابّه می‌شود.

۲-۱-۳- کسی که دیگری را شبانه از منزلش فراخواند

فقهای امامیه بر این نظر هستند که اگر کسی دیگری را در شب از منزلش فراخواند و او به منزل برنگردد یا خبری از او نداشته باشند، شخص داعی ضامن است؛ یعنی در حقیقت بنا را بر تقصیر وی گذاشته‌اند و او باید عدم تقصیر خودش را ثابت نماید (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ۳/۳۶۴؛ علامه‌حلی، ۱۴۲۰ق، ۵/۵۳۶؛ شهیداول، ۱۴۱۰ق، ۲۷۶؛ روحانی، بی تا، ۳/۳۸۱). این احتمال وجود دارد که شب در مسئله موضوعیت ندارد بلکه ذکر آن به خاطر این است که در شب، در وضعیت قدیم روستایی با خارج شدن فرد از منزل، فقط داعی است که دارای تسلط است و اگر این وضعیت در روز باشد اما بازهم این تسلط داعی بر فرد باشد؛ مثلاً در جنگل باشند، در این صورت بازهم می‌توان گفت: داعی ضامن است. حال در فرض عکس، اگر شخصی شبانه دیگری را در مکانی شلوغ فراخواند؛ به‌عنوان مثال شخصی که شب قدر مشرف به حرم امام رضا علیه‌السلام شده است اگر کسی او را فراخواند و او به حرم یا منزل خود برنگردد آیا

جستارهای فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۰
بهار ۱۴۰۲

۱۴۲

۱. «أن صاحب الكلب أو الجمل علم بحالتهم و لكنه لم يتمكن من السيطرة عليهما».

۲. «كما في (المبسوط) و (الشرائع) و (التحريز) و (الإرشاد) و (المسالك) و (مجمع البرهان) لأنهما مغلوبان فكأنما كما لو غلبتهما دابتهما على أن ضبط الدابة أسهل من إمساك السفينة في البحر إذا هاج و قد احتمل في رايي الدابتين الغالبتين».

۳. «لو لم يتعمداً و لم يفترطاً بأن غلبتهما الرياح فلا ضمان كما لو غلبتهما دابتهما. و هنا أقوى، لأن ضبط الدابة أسهل من إمساك السفينة في البحر».

۴. «كما لو غلبتهما دابتهما، بل هو أقوى، لأن ضبط الدابة أسهل من إمساك السفينة في البحر إذا هاج»

می‌توان گفت داعی ضامن است؟ اگر ملاک را تسلط بگیریم در حرم مطهر آن هم در شب قدر در آن شلوغی، داعی هیچ تسلط سیطره‌ای بر فرد مدعو ندارد لذا علی‌القاعده نباید ضامن باشد.

۳-۱-۳- ضمان مولا در جنایات عبد

اگر عبد جنایتی بر کسی وارد آورد مثلاً شخصی را خطئاً به قتل رساند مولای او ضامن اقل الامرین از قیمت عبد یا ارش جنایت، است (فاضل‌آبی، ۱۴۱۷ق، ۶۰۷/۲؛ عاملی، ۱۴۱۷ق، ۲۰۰/۳). اگر شخصی عبدش را سوار بر چهارپایی کند و به دیگری خسارتی بزند مولا ضامن است (علامه‌حلی، ۱۴۲۱ق، ۳۶۰؛ ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ۲۹۲/۵). به همین مضمون روایتی از امام صادق علیه‌السلام^۱ رسیده است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸۸/۱۹، باب ۱۶ از ابواب موجبات الضمان، ح ۱).

اگر عبدی را برای کاری اجیر کنند و آن عبد چیزی را تلف کند. در این‌که ضمان بر عهده کیست، چند احتمال وجود دارد که یکی از آن‌ها ضمانت مولا است و جنایت عبد سبب اشتغال ذمه اوست (محقق‌حلی، ۱۴۱۲ق، ۲۸۴/۲؛ علامه‌حلی، ۱۴۱۳ق، ۱۵۴/۶). در این مورد روایتی از امام صادق علیه‌السلام وارد شده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مولای عبد را ضامن دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۴/۱۹)^۲. و یا تفصیل بین اینکه عبد تفریط در جنایت کرده باشد و غیر آن؛ اگر جنایت با تفریط باشد ذمه خود او مشغول است و اگر با تفریط نباشد ذمه مولای او مشغول است که از مصادیق مورد بحث است.

۳-۱-۴- ضمان مکره نسبت به خسارات به وجود آمده از طرف مکره

فردی که از سوی ثالثی مجبور به اتلاف مال دیگری شود، ضامن نیست بلکه ضمان بر عهده مکره (اکراه‌کننده) است. برخی از فقها ضمان مکره را از باب ((سبب اقوی از مباشر)) می‌دانند (محقق‌حلی، ۱۴۰۸ق، ۱۸۶/۳؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ۱۶۵/۱۲؛ تبریزی، ۱۴۲۱ق، ۵۸۷؛ امام خمینی، بی‌تا، ۱۹۳/۲؛ شیرازی، ۱۴۲۵ق، ۲۰۶/۲). در مقابل جمعی از

۱. «عن أبي عبدالله عليه السلام في رجل حمل عبده على دابته، فوطأت رجلاً قال: الغرم على مولا».

۲. «صحيحه زرارة وأبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام» قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام في رجل كان له غلام فاستأجره منه صانع (صانع نسخة) أو غيره، قال: إن كان ضيع شيئاً أو أبق منه فمواليه ضامنون».

فقها اقوی بودن سبب از مباشر و ضامن دانستن وی را مخصوص جایی می‌دانند که ضرر و خسارت منتسب به سبب باشد^۱ و مباشر حکم چوب‌دستی را داشته باشد و در ما نحن فیه که ضرر به مباشر منتسب است نمی‌توان از باب اقوی بودن سبب، سبب را ضامن دانست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۵۸/۳۷). عده‌ای دیگر از فقها ضامن مکره را به خاطر اقوی بودن سبب از مباشر مخصوص جایی می‌دانند که شخص مکره از خود هیچ اراده‌ای ندارد (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۶۳۵/۲).

به نظر می‌رسد حق هم همین باشد؛ زیرا درجایی که شخص هیچ اراده‌ای ندارد در حقیقت همان چوب‌دستی است که صاحب جواهر فرمود و می‌شود گفت تخصصاً از موضوع خارج است؛ زیرا از حیثه اکراه خارج شده و به سرحد اجبار رسیده است. به نظر می‌رسد از آنجایی که شخص مکره فاعل مباشر بالاراده است حق در مسئله این باشد که ضامن به خاطر «(من اتلف مال الغير فهو ضامن)» بر عهده وی است اما بعد از پرداخت وی، حق رجوع به مکره را داشته باشد؛ یعنی استقرار ضامن بر دوش مکره باشد.

۵-۱-۳- خسارات وارده از سگ خانه

اگر شخصی با اذن صاحب‌خانه وارد منزل وی شود و سپس سگ خانه به او حمله کند و موجب خساراتی شود صاحب‌خانه ضامن است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ۷۶۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۷۷/۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۳۴/۴۳). در این مسئله فرض بر مسئولیت و ضامن صاحب‌خانه گذاشته شده مگر این که وی قوه قاهره را ثابت نماید.

۶-۱-۳- ضمان مرتبی شنا

مرتبی شنا ضامن دیه جنایاتی است که از ناحیه مرتبی وارد می‌شود؛ یعنی اصل این است که مرتبی شنا در نگهداری و مراقبت از مرتبی کوتاهی کرده و فرض بر مسئولیت او است و دیگر نیاز به اثبات تقصیر مرتبی نیست. شهیدثانی می‌فرماید:

۱. «إن القاعدة تقتضي اختصاص الضمان بالمباشر الذي هو المكروه والمغرور وإن أثم المكروه والغار، لاستقلال المباشر بالإتلاف ولكن ضمنا للدليل لا لقوة السبب على المباشر المخصوصة بما إذا كان الإسناد حقيقة للسبب دون المباشر الذي هو كالريح والشمس».

در ضمان مربی، فرقی ندارد که تفریط کرده یا نکرده باشد.^۱ مگر این که وی عدم مسئولیت خودش را به وسیله قوه قاهره ثابت نماید (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۴۹/۱۰). برخی از فقها فرموده‌اند: فرقی بین صغیر و کبیر نیست، مهم سیطره و تسلطی است که مربی بر مرتبی دارد و از این جهت بالغ و نابالغ برابر می‌باشند؛ زیرا هر دو قدرت شنا کردن را ندارند (کاشانی، ۱۴۰۸ق، ۹۶).^۲ بنا بر نظر برخی فقها نیز مربی نسبت به خسارات وارده از مرتبی به خودش مثلاً کشته شدن مرتبی یا آسیب جسمی دیدن مرتبی، ضامن است، الا در صورتی که مرتبی بالغ و رشید باشد، که در این صورت مربی نسبت به قتل او ضامن نیست. برخی علت استثنا در بالغ رشید را سلطنت بالغ رشید نسبت به خودش ذکر کرده‌اند. البته باید توجه داشت که برخی فقها در بیان علت، عبارت «فی ید نفسه» را تعبیر کرده‌اند که به صورت ضمنی دلالت بر تسلط مرتبی بر خودش را دارد. این مطلب دال بر این است که فقها در صورت وجود تسلط، مربی را ضامن می‌دانند و هنگامی که تسلط زایل شود، دیگر ضامن نسبت به فعل غیر نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۵۰/۱۰؛ علامه‌حلی، ۱۴۲۰ق، ۵۴۵/۵؛^۴ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ۲۵۷/۱۱).^۵

مبانی فقهی مسئولیت
ناشی از فعل غیر
۱۴۵

۲-۳- چگونگی استخراج مناط از مصادیق فقهی

از مصادیق پیش گفته فقهی، شاید بتوان به طرق مختلف دخالت اقتدار و سلطه بر دیگران را به عنوان ملاک برای مسئولیت غیر در قبال فعل زیان‌بار ناشی از رفتار دیگری استخراج نمود که عبارت‌اند از:

۱-۲-۳- تنقیح مناط از مصادیق

یکی از راه‌های اثبات حکم شرعی، استفاده از تنقیح مناط است (عظیمی گرگانی، ۱۳۹۱، ۱۳۵؛ کلاتری، ۱۳۸۷، ۱۴۱). بدین گونه که فقیه بعد از بررسی تمام قیود و اوصاف

۱. «یضمن معلّم السباحة المتعلّم الصغیرَ غیرَ البالغ لو جنی علیه بها فی ماله، لأنه شبيه عمد، سواء فرط أم لا...»

۲. «ما الفرق بین البالغ و غیره فی السباحة؟ فإنّ البالغَ أيضاً لیس عالماً بالسباحة و إلاّ لم یحتجّ إلى المعلّم.»

۳. «أی البالغ الرشید له السلطنة علی نفسه. و لیس لأحد علیه السلطة و القدرة.»

۴. «أما لو كان بالغاً رشیداً فإنه لا یضمنه إذا لم یفرط لأنّ الکبیر فی ید نفسه.»

۵. «لو كان التالف بالغاً رشیداً لم یضمن إذا لم یفرط كما فی التحریر قال: لأنّ الکبیر ید نفسه.»

و قرائن داخلی و خارجی به مناط حکم دست یافته و مناط را از اصل (منصوص) به فرع (غیر منصوص) تعمیم می دهد (کلاتری، ۱۴۴، ۱۳۸۷). توجه به این نکته لازم است که اصل می تواند مجموعه ای از روایات باشد که با در نظر گرفتن همه آنها به یک وصف مشترک دست پیدا می کند یا می تواند یک روایت باشد که با بررسی آن روایت به وصف مؤثر در تعلق حکم دست پیدا کند. روش تنقیح مناط بدین گونه است که ابتدا احتمالات مختلف ذکر شده، سپس مورد بررسی قرار گرفته می شود و در مرحله آخر یک احتمال مورد پذیرش قرار می گیرد.

۱-۲-۳- احتمال اول: اقوی بودن سبب از مباشر

ممکن است از روایات برداشت شود که در روایات پیش گفته علت ضمانت در خسارات وارده، اقوی بودن سبب باشد. اما این احتمال رد می شود؛ زیرا در سبب اقوی از مباشر، خسارت منتسب به سبب است و فاعل اراده ای ندارد. بلکه ممکن است در روایتی مثل روایت مربوط به ضمان راکب این احتمال مورد قبول باشد ولی در روایات دیگر مثل مرئی شنا و جنایت عبد، این احتمال منتفی است به این علت که تمام فاعل ها در این مثال ها دارای اراده هستند پس مشمول این قاعده نمی باشند و در نتیجه این قاعده میان روایات مورد بحث علت مشترک نبوده و این احتمال مورد قبول نیست.

جستارهای
فقهی و اصولی
سال نهم، شماره پیاپی ۳۰
بهار ۱۴۰۲
۱۴۶

۱-۲-۳- احتمال دوم: ملاک غرامت در مقابل منفعت

این احتمال بر این اساس استوار است که خسارات ناشی از چیزهایی که از آنها سود می بریم بر عهده کسی است که از آنها سود می برد. لکن تطبیق این قاعده بر مصادیق فقهی فوق اشاره با اشکالاتی مواجه است.

اشکال اول: این قاعده از جهت محدوده معنایی کلمه غنم دچار ابهام است. توضیح این که آیا منفعت مورد نظر در این قاعده مطلق منفعت یا منفعت خاصی است؟ آیا منظور بالفعل بودن منفعت است یا شامل منفعت بالقوه هم می شود؟ اگر منفعت، بعد از خسارت وارد شود شامل این قاعده می شود؟ آیا منفعت دائم مورد توجه این قاعده است یا شامل منفعت منقطع نیز می شود؟ تمام این موارد ابهاماتی است که این قاعده نسبت به آنها سکوت کرده است. در نتیجه نمی توانیم این قاعده را به عنوان

ملاک در این بحث انتخاب کنیم.

اشکال دوم: حتی اگر بگوییم نفع در این قاعده شامل تمام منافع حاصله می‌شود و به تمام احتمالات مطرح شده در اشکال اول هم پاسخ گوییم، این قاعده باز هم نمی‌تواند در تمام روایات مطرح شده به عنوان ملاک و مناط قرار گیرد بلکه دارای موارد نقض است؛ در روایت مربوط به خسارت وارده از دابه، فقها می‌فرمایند: راکب در حال حرکت نسبت به خسارات ناشی از پاهای حیوان، ضامن نیست و حال آنکه اگر ملاک ضامن را منفعت حاصله از حیوان در نظر بگیریم چون راکب از حیوان منفعت می‌برد باید نسبت به خسارات وارده از پاهای حیوان در حال حرکت هم ضامن باشد. هم چنین در بحث مریبی شنا نیز مریبی از متریبی منفعت می‌برد اما اگر متریبی، بالغ و رشید باشد، مریبی ضامن خسارات او نیست، حال آنکه مریبی در حالت بلوغ هم از متریبی نفع می‌برد. این تعارض موجب می‌شود که این قاعده صلاحیت ملاک واقع شدن برای ضامن ناشی از فعل غیر را نداشته باشد.

۳-۱-۲-۳- احتمال سوم: تسلط

مهم‌ترین مسئله‌ای که می‌توان بر اساس آن به مناط در مسئله مذکور دست یافت، توجه به تفاصیلی است که در بخش مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر توسط فقها بیان شده است. در مرحله بعد با نظر به تناسب میان حکم و موضوع که روشی مقبول در تنقیح مناط از نظر امام خمینی است (یزدانی و صابری، ۱۳۸۹، ۱۲۹)، می‌توان فهمید که این تفاصیل بر یک مناط و ملاک عمومی دلالت می‌کنند. بدین بیان که فقها در بحث ضامن راکب بدون تفصیل بیان کرده‌اند: راکب در هنگام سواره بودن یا در هنگامی که افسار اسب را در دست گرفته به علت سیطره و قدرتی که در این حالت بر دست‌های چهارپا دارد ضامن خسارات ناشی از دست‌های دابه بوده و نسبت به پاهای حیوان ضمانتی ندارد. یا اگر حیوان را از پشت سوق می‌دهد ضامن تمام خسارات از ناحیه حیوان است (فاضل‌آبی، ۱۴۱۷ق، ۶۴۸/۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۶۱/۱۰؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ۲۷۵/۱۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲۱۰/۶). علت ضامن در تمام صور، تسلطی است که صاحب حیوان بر حیوان دارد.

مبانی فقهی مسئولیت
ناشی از فعل غیر

۱۴۷

این تفصیل خود گویای این است که حکمی که برای این موضوع در نظر گرفته شده مخصوص این موضوع نیست و قابل تعمیم به موارد دیگر است به خصوص که علت تعلق حکم یعنی سیطره، قدرت یا تسلط توسط فقهای بسیاری بیان شده است.^۱ هم چنین در ضمان فردی که دیگری را شبانه از منزلش فرامی خواند (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۳/۳۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ۵/۵۳۶؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ۲۷۶؛ روحانی، بی تا، ۳/۳۸۱)، ذکر قید زمانی «شب» و عدم ذکر قید «روز» در کنار وضعیت زندگی در آن زمان که شبها افراد کمی در حال تردد بودند، دلالت بر این دارد که داعی در شب به نحوی سیطره و تسلط بر مدعو دارد که موجب ضمان او می شود. بر همین اساس اگر شرایطی که در شب وجود دارد در روز هم وجود داشته باشد بازهم داعی نسبت به مدعو ضامن است. در بحث ضمان مرئی شنا نیز فقها بین بالغ بودن یا نابالغ بودن تفصیل واقع شده اند که این تفصیل هم به مسائل پیش گفته اشاره دارد. در موارد قبل تفصیلها بیان شد و از آنها نتیجه گیری شد اما در مسئله اکراه از دلالت لفظ اکراه به مبنای ضمان پی برده می شود؛ بدین صورت که لفظ اکراه دلالت بر قدرت و تسلطی می کند که از طرف مکره بر مکره اعمال می شود و همین مسئله موجب ضمان مکره است.

خلاصه اینکه در مرحله احصای احتمالات، سه احتمال مطرح شد که احتمال اول و دوم مورد پذیرش قرار نگرفت، ولی احتمال سوم با استفاده از مناسبت میان حکم و موضوع به عنوان مبنای مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر پذیرفته شد.

۲-۲-۳- مذاق شریعت مبنای مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر

یکی از راه های ارزشیابی مبنای یک مسئله فقهی، استفاده از مذاق شریعت است (عندلیب، ستوده، ۱۳۹۱، ۱۲۵). دلیل حجیت مذاق شریعت از نگاه قائلین به انسداد باب علم، بر اساس حجیت مطلق ظنون است و قائلین به انفتاح باب علم و علمی در صورتی که این دلیل منجر به اطمینان نوعی و عرفی شود آن را حجت می دانند. بدین صورت که هر یک از ظنون ضعیف، هنگامی که در کنار هم قرار می گیرند

۱. در صفحه ۸ مقاله به تفصیل مطرح شده است.

موجب مرتبه‌ای از معرفت با درجه بالای تصدیق می‌شوند که اعتبارش قابلیت استناد را دارد و حجت است (خطیبی، ۱۳۹۸، ۲۹). مثلاً شیخ انصاری در شبهه غیر محصوره به تمام ادله قائلین به عدم وجوب احتیاط در شبهه غیر محصوره خدشه وارد می‌کنند اما در پایان نظرشان بر این است که باینکه به این ادله خدشه وارد است اما مجموع این ادله، مفید قطع یا ظن به عدم وجوب احتیاط در شبهه غیر محصوره است (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ۲/۲۶۵). ضمناً این دلیل مورد پذیرش فقهای بسیار دیگری نیز بوده است (حسینی عاملی، بی‌تا، ۵۲۹/۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱/۱۵۰؛ امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ۳/۳۰۸).

در مصادیق پیش گفته ظن ناشی از روایات مختلفی که دلالت بر مسئولیت غیر دارد را چنانچه تجمیع نماییم، در نتیجه این تراکم ظنون، برای ما اطمینان عرفی حاصل می‌شود که علت مسئولیت ناشی از فعل غیر، سلطه و اقتدار او است. شاهد مطلب این که بسیاری از فقها در بحث مصادیق مسئولیت مدنی پیش گفته ملاک مسئولیت فرد را تسلط نسبت به متعلقاتش می‌دانند که با توجه به ظن حاصل از هر یک از این مستندات^۱ و اطمینان عرفی حاصل از تجمیع این نظرات نتیجه می‌گیریم که بر اساس دلیل مذاق شریعت، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر تسلطی است که فرد نسبت به پیرامونش دارد.

مبانی فقهی مسئولیت
ناشی از فعل غیر

۱۴۹

بنای عقلا در مسئولیت ناشی از فعل غیر

یکی از روش‌های اثبات مسائل مستحدثه استفاده از بنای عقلا است. از این دلیل به سه روش بنای عقلا در زمان معصوم علیه السلام، بنای عقلا در عصر حاضر و بنای عقلا مبتنی بر آرای محموده بررسی خواهد شد. مبنای حجیت در بنای عقلا در زمان معصوم علیه السلام، این است که اگر مانعی برای ردع شارع از بنا وجود نداشته باشد، عدم ردع شارع نشان‌دهنده تأیید شارع است و حتی اگر مانعی برای ردع وجود داشته باشد نفس جریان سیره عقلایی در امور شرعیه در استکشاف عدم ردع شارع کافی است (مظفر، ۱۳۹۳، ۵۱۴). حال بر اساس مبنای فوق گفته می‌شود: بنای عقلا در زمان شارع بر مسئول دانستن شخص مسلط در برابر خسارات ناشی

۱. در پاورقی بخش موارد مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر به اقوال فقها اشاره شد.

از متعلقاتش است. بنا بر اینکه شارع رئیس العقلاست و ردعی از جانب ایشان نرسیده، این مبنا مورد تأیید است. حتی اگر گفته شود مانعی از ردع شارع وجود دارد، جریان این مبنا در امور شرعیه که در قسمت مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر ذکر شد در استکشاف عدم ردع شارع کافی است. اما در صورت استفاده از روش بنای عقلا در عصر حاضر، مشکل عدم هم‌زمانی بنا با زمان شارع پیش خواهد آمد و به دنبال آن نمی‌توان تأیید شارع نسبت به بنا را به دست آورد. لیکن برای حل این مشکل می‌توان از نظر شهید صدر بهره جست که برای اثبات یک سیره عقلایی در عصر حاضر باید یک مبنا که از مسئله مورد نظر ناشی می‌شود و در ارتکاز و طبع فراگیر همه عقلا است و می‌تواند مبنای عادات و رفتارهای در زمان شارع قرار گیرد، انتخاب شود در نتیجه با توجه به اینکه آن مبنا در زمان معصوم علیه السلام اتفاق افتاده و مورد تأیید شارع است، بناهای عقلایی که معاصرت با زمان معصوم علیه السلام ندارند هم حجت می‌شوند (ایروانی، ۱۳۹۴، ۲۲۶).

همچنین برخی در مسئله بنای عقلا بر این نظرند که باید ملاکات و منشأهای بنای عقلا را بررسی کنیم و آن‌ها را اعتبارسنجی کنیم نه این که خود مسئله را بررسی کنیم و اگر هم عصر با زمان معصوم علیه السلام نیست سریعاً آن را رد کنیم (علیدوست، ۱۳۸۶، ۲۰۸). مثلاً در عقد بیمه که برای دومین بار از سید یزدی سؤال می‌کنند که ما تاجر هستیم و از هند زردچوبه به بندر بوشهر می‌آوریم و بعضاً می‌بینیم که رطوبت خورده و در هند شخصی پیدا شده که با گرفتن مبلغی از ما تعهد می‌کند که آن‌ها را سالم در بندر بوشهر تحویل دهد و اگر در بین راه آسیب خورد خسارت را پردازد، می‌فرمایند: در غالب صلح اشکالی ندارد (یزدی، ۱۴۱۵ق، ۱۸۸).

درست است که بیمه مستحدث است اما نکته‌ای در آن وجود دارد که در زمان معصوم علیه السلام هم بوده و آن امنیت خاطر و رفاه بیمه‌گذار است (مطهری، ۱۳۶۱، ۲۸ و ۸۱) یعنی به دلیل تأیید امنیت خاطر و رفاه در زمان معصوم علیه السلام، عقد بیمه که عقدی مستحدث است و مبنایش امنیت خاطر و رفاه هست هم حجت می‌شود.

با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت بنای عقلا مبتنی بر مسئول دانستن فرد در برابر خسارات ناشی از افعال زیرمجموعه آن فرد است. به عنوان مؤید در حقوق

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۰

بهار ۱۴۰۲

۱۵۰

فرانسه ضمن بند ۵ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی مسئولیت خسارات وارده از کارفرمایان و گماشتگان بر عهده صاحب کاران و کارفرمایان گماشته شده است (ژوردن، ۱۳۹۱، ۱۲۳) و مسئول در خسارات ناشی از فعل غیر، کسی است که رابطه گماشتگی بین او و مسبب خسارت وجود داشته باشد و رابطه گماشتگی را به اطاعت‌پذیری ناشی از اقتدار تعریف می‌کنند (ژوردن، ۱۳۹۱، ۱۲۵). آنچه از موارد مذکور پیداست، وضعیت ناشی از اقتدار (تسلط) مبنای مسئولیت کارفرما نسبت به گماشتگان است. همچنین با توجه به اینکه کشورهای مصر،^۱ لیبی^۲ و سوریه^۳ نیز این نوع مسئولیت را از حقوق فرانسه گرفته‌اند، مبنای مسئولیت در این کشورها نیز تسلط است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸، ۲۸۵). در نتیجه این کشورها هم به عنوان مؤید بنای عقلایی مذکور قرار می‌گیرند.

نتیجه اینکه با توجه به موارد ذکرشده مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر بر مبنای تسلط به عنوان یک بنای عرفی و عقلایی در عصر حاضر است. لازم به ذکر است که دیگر مشکل عدم معاصرت این مبنا در عصر حاضر با زمان معصوم ع‌ع پیش نمی‌آید؛ چرا که مبنای این بنای عقلایی تسلط است و در مطالب پیشین بیان شد که این مبنا بر اساس دو دلیل تنقیح مناط و مذاق شریعت مورد تأیید شارع نیز است. حال که مبنای بنا مورد تأیید شارع است بنای عقلایی نیز مورد تأیید ایشان هست. همچنین برخی اصولیان بر این نظرند که چون سیره عقلا بما هم عقلا بنای خود را از آرای محموده می‌گیرند، نیازی به اثبات ردع یا عدم ردع از طرف شارع ندارند؛ چرا که آرای محموده از نظر حکم عقل دارای حجیت هستند (نائینی، ۱۳۷۳، ۳/۳۳۳). پس در مسئله حاضر با توجه به مصادیقی که در کشورهای مختلف و در فقه اسلامی بیان شد، بنای عقلا در مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر بر این است که تسلط موجب مسئولیت است و چون این بنا جاری در مسائل اجتماعی و مبتنی بر آرای محموده است دارای حجیت بوده و نیازی به اثبات ردع یا عدم ردع از سوی شارع نیست.

مبانی فقهی مسئولیت
ناشی از فعل غیر

۱۵۱

۱. ماده ۱۷۳ قانون مدنی کشور مصر

۲. ماده ۱۷۷ قانون مدنی کشور لیبی

۳. ماده ۱۷۴ قانون مدنی کشور سوریه

مؤیدی نقلی بر نظریه برگزیده

در حدیث شریف نبوی آمده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛^۱ همه شما مردم همانند چوپان هستید هم چنان که او مسئول حفاظت و نگاهداری گوسفند است شما هم مسئولیت سنگینی نسبت به زیردستان خود به عهده دارید. مرد مسئول راهبری و راهنمایی و تربیت عیال و فرزندان خود است و زن مسئول نگاهداری فرزندان و اهل بیت شوهر خود است و خدمتکار و کلفت مسئول اموال مولا و آقای خود می‌باشند، آگاه باشید که هر کس مسئولیتی بر عهده او است و وظایف و تکالیفی نسبت به دیگران دارد (مسترجمی، ۱۳۴۹، ۲/۲۵۰).

هرچند از این روایت ابتدائاً مسئولیت اخلاقی فهمیده می‌شود، به عنوان مثال همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنید، در گرفتاری‌ها و مشکلات دست یکدیگر را بگیرید و ... (جعفریان، ۱۴۲۸ق، ۲/۹۰۳) ولی جدای از مسئولیت اخلاقی، از این روایت معلوم می‌شود که یک رابطه اقتداری وجود دارد و رئیس هر مجموعه‌ای نسبت به رعیت خودش مسئول است؛ همان‌طور که چوپان مسئول گوسفندان تحت سلطه خود است و همان‌طور که مولا سلطه بر عبد دارد لذا مسئول اعمال عبد است. بر اساس این برداشت از روایت می‌توان نتیجه گرفت که هر انسانی نسبت به متعلقات خود و آنچه تحت اشراف او است مسئولیت دارد و با نگاه حقوقی به این روایت حداقل می‌تواند مؤیدی برای برداشت ملاک مورد نظر از مصادیق فقهی و شاخصی برای این باشد که بتوان در مواردی که فردی اشراف و سلطه دارد مسئول خسارات ناشی از رفتار و اعمال افراد تحت اشراف خود است.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۰
بهار ۱۴۰۲

۱۵۲

نتیجه‌گیری

اصل اولی در مسئولیت، مسئولیت خود فرد است و هیچ کس را به خاطر فعل دیگری مسئول نمی‌دانند اما در برخی موارد فرد در برابر افعال زیان‌بار دیگران نیز

۱. «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فِكُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۸/۷۲).

مسئول شناخته می‌شود. مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر را از چند قاعده فقهی می‌توان برداشت نمود. قاعده «اقوی بودن سبب از مباشر» که نمی‌تواند مبنای فقهی مسئولیت مزبور قرار گیرد؛ زیرا در این قاعده مباشر همانند وسیله است و از خود هیچ‌گونه اراده‌ای ندارد در حالی که در برخی از مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر، نظیر کارگر، مباشر فاعل بالاراده است. قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» نیز نمی‌تواند به‌عنوان مبنای این نوع مسئولیت قرار گیرد؛ زیرا در برخی موارد نظیر کارگر فاعل هم، از افعال خودش سود می‌برد پس چرا بگوییم کارفرما مسئول است. در این میان اصل «سلطه» و «بنای عقلا» مثبت مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر می‌باشند. بدین بیان که در مواردی چند فقهای اسلامی مبنای مسئولیت مدنی را بر اساس سلطه فرد مذکور نسبت به متعلقاتش برداشت کرده‌اند نظیر مسئولیت راکب دابه و سائق آن نسبت به خسارات ناشی از حیوان یا ضمان داعی شخصی که شبانه دیگری را از منزلش فرامی‌خواند و... که از دو طریق تنقیح مناط از این مصادیق و ظن متراکمی که از مجموع روایات و اقوال فقها برداشت می‌شود و از آن به قاعده‌ای تحت عنوان «مذاق شریعت» یاد می‌شود، قابل اثبات است. همچنین برای اثبات فقهی این نوع از مسئولیت می‌توان به بنای عقلا مراجعه نمود؛ هم بر اساس بنای عقلا در زمان شارع و هم بر اساس بنای عقلا در عصر حاضر که برای حل مشکل عدم هم‌زمانی با شارع گفته می‌شود: در مسئولیت ناشی از فعل غیر نکته‌ای نهفته است که در زمان شارع مورد تأیید بوده است و در زمان حاضر هم بر اساس آن عقلا رفتار می‌نمایند و آن سلطه‌ای است که شخص بر افراد تحت کنترل خودش نظیر کارفرما و مربی مهدکودک و ولی طفل، دارد. همچنین می‌توان گفت: چون بنای عقلا بر اساس آرای محموده استوار است و شارع نیز جزو عقلا است خود اعتبار ذاتی دارد و نیاز به تأیید شارع ندارد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن فهدحلی، جمال‌الدین. ۱۴۰۷ق. المذهب البارع في شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. اردبیلی، محمدعلی. ۱۳۹۷. حقوق جزای عمومی. چاپ چهل و هشتم، تهران: نشر میزان.
۳. اصفهانی، محمدحسین. ۱۳۷۳. نهاية الدراية في شرح الكفاية. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۴. امام خمینی، سید روح الله. بی تا. تحرير الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۵. امام خمینی، سید روح الله. ۱۴۲۲ق. کتاب البيع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۶. ایروانی، باقر. ۱۳۹۴. ترجمه و شرح فارسی دروس فی علم الاصول. چاپ ششم، بی جا: نصاب.
۷. باریکلو، علیرضا. ۱۳۸۵. مسئولیت مدنی. تهران: میزان.
۸. تبریزی، ابوطالب. ۱۴۲۱ق. التعليقة الاستدلالية على تحرير الوسيلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۹. جعفریان، رسول. ۱۴۲۸ق. رسائل حجابیه. چاپ دوم، قم: انتشارات دلیل ما.
۱۰. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود. ۱۴۲۳ق. موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليه السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليه السلام.
۱۱. حرعالمی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق. وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۲. خطیبی، مهدی. «اعتبارسنجی تراکم ظنون در فرآیند استنباط». جستارهای فقهی و اصولی. ۱۳۹۸ (سال پنجم). ۱۶، ۷-۳۴.
۱۳. خوانساری، سید احمد. ۱۴۰۵ق. جامع المدارك في شرح مختصر النافع. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۴. روحانی، سید صادق. بی تا. منهاج الصالحین. قم: بی نا.
۱۵. ژوردن، پاتریس. ۱۳۹۱. تحلیل رويه قضایی، در زمینه مسئولیت مدنی. ترجمه: مجید ادیب، چاپ دوم، تهران: میزان.
۱۶. سبزواری، محمد باقر. ۱۴۲۳ق. كفاية الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. شهید اول، محمد بن مکی. ۱۴۱۰ق. اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية. بیروت: الدار الإسلامية.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۰

بهار ۱۴۰۲

۱۵۴

۱۸. شهیدثانی، زین الدین. ۱۴۱۰ق. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. قم: کتابفروشی داوری.
۱۹. شهیدثانی، زین الدین. ۱۴۱۳ق. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۲۰. شیخ انصاری، مرتضی. ۱۴۲۸ق. فرائد الاصول. چاپ نهم، قم: مجمع الفکر.
۲۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۰ق. النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربي.
۲۲. شیرازی، سید صادق. ۱۴۲۵ق. التعليقات على شرائع الإسلام. چاپ ششم، قم: انتشارات استقلال.
۲۳. صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله. ۱۳۹۷. مسئولیت مدنی تطبیقی. تهران: شهر دانش.
۲۴. طباطبایی، سید محمد صادق، شیور، قادر. «گستره مسئولیت مدنی بیمارستان در برابر بیمار». فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۳۹۳. (شماره ۳۱). ۱۱-۴۷.
۲۵. عاملی، سید جواد. بی تا. مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۶. عظیمی گرگانی، هادی. «معنا شناسی تنقیح مناط مقارنه با مفاهیم مشابه و روش شناسی آن». نشریه فقه و اصول. ۱۳۹۱ (شماره ۹۰). ۱۲۷-۱۵۳.
۲۷. علامه حلّی، حسن. ۱۴۲۰ق. تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۸. علامه حلّی، حسن. ۱۴۲۱ق. تلخیص المرام في معرفة الأحكام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۹. علامه حلّی، حسن. ۱۴۱۳ق. مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. علیدوست ابرقویی، ابوالقاسم. ۱۳۸۶. فقه و عرف. چاپ سوم، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۱. عندلیب، ستوده. «مذاق شریعت، جستاری در اعتبارسنجی و کارآمدی». نشریه فقه اهل بیت (ع). ۱۳۹۱ (دوره ۱۸). ۱۰۶-۱۴۱.
۳۲. فاضل آبی، حسن. ۱۴۱۷ق. کشف الرموز في شرح مختصر النافع. چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۳. فاضل هندی، محمد بن حسن. ۱۴۱۶ق. **كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. قاسم زاده، سیدمرتضی. ۱۳۷۸. **مبانی مسئولیت مدنی**. تهران: نشر دادگستر.
۳۵. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۴. **مسئولیت ناشی از عیب تولید**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۶. کلاتری، علی. «مفهوم اعتبار و مکانیزم تنقیح مناط». **فشریه فقه و اصول**، ۱۳۸۷ (شماره ۸۱). ۱۳۱-۱۵۷.
۳۷. کلینی، یعقوب. ۱۴۰۷ق. **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. کاشانی، رضا. ۱۴۰۸ق. **کتاب الديات**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۹. مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق. **بحار الانوار: الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار**. بیروت: دار إحياء تراث العربي.
۴۰. محقق حلّی، نجم الدین. ۱۴۰۸ق. **شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام**. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۱. محقق حلّی، نجم الدین. ۱۴۱۲ق. **ذکت النهایة**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. مسترحمی، هدایت الله. ۱۳۴۹. **ترجمه ارشاد القلوب**. چاپ سوم، تهران: نشر مصطفوی.
۴۳. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۱. **بررسی فقهی مسئله بیمه**. تهران: انتشارات میقات.
۴۴. مظفر، محمد رضا. ۱۳۹۳. **اصول الفقه**. چاپ چهاردهم، قم: بوستان کتاب.
۴۵. نجفی، محمد حسن. ۱۴۰۴ق. **جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام**. چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۴۶. نظری، ایران دخت. ۱۳۹۲. **الزامهای بدون قرارداد**. تهران: مجد.
۴۷. یزدانی، محمدمهدی و صابری، حسین. «تعمیم حکم به استناد کشف علت از دیدگاه امام خمینی». **مجله پژوهش های فقهی**. تابستان ۱۳۸۹، سال ۶، شماره ۲، ۱۲۱-۱۴۶.
۴۸. یزدی، سید محمد کاظم. ۱۴۲۱ق. **الحاشية للمکاسب**. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۹. یزدی، سید محمد کاظم. ۱۴۱۵ق. **سؤال و جواب**. تهران: مرکز نشر العلوم الإسلامی.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۰
بهار ۱۴۰۲

۱۵۶

References

The Holy Qur'an

1. 'Āmilī, Sayyid Jawād ibn Muḥammad. n.d. *Miftāḥ al-Kirāmah fī Sharḥ al-Qawā'id al-'Allāmah*. 1st. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Ārabī.
2. al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). 1989/1410. *al-Lum'at al-Dimashqīyya fī Fiqh al-Imāmīyya*. Beirut: Dār al-Turāth al-Islāmīyah.
3. al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1989/1410. *al-Rawḍat al-Bahīyya fī Sharḥ al-Lum'at al-Dimashqīyya*. Qom: Maktabat al-Dāwarī.
4. al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1992/1413. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā'i' al-Islām*. Qom: Mū'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyya.
5. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 2007/1428. *Farā'id al-Uṣūl*. 5th. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī.
6. Al-Asadī al-Ḥillī, Jamāl al-Dīn Aḥmad ibn Sham al-Dīn (ibn Fahad al-Ḥillī). 1986/1407. *Al-Muḥadhab al-Bāri' fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi'*. Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
7. Al-Fāḍil al-Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1995/1416. *Kashf al-Lithām wa al-Ibhām 'an Qawā'id al-Aḥkām*. Qom: Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-'Uzmā al-Mar'ashī al-Najafī.
8. al-Gharawī al-Iṣfahānī, Muḥammad Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Iṣfahānī). 1994/1373. *Nihāyat al-Dirāya fī Sharḥ al-Kifāyah*. Qom: Nashr Sayyid al-Shuhadā'.
9. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1992/1413. *Mukhtalaf al-Shī'a fī Aḥkām al-Sharī'a*. 2nd. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
10. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1999/1420. *Tahrīr al-Aḥkām al-Sharīyya 'alā Maḍḥhab al-Imāmīyya*. Qom: Mu'assasat al-Imām al-Ṣādiq.
11. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 2000/1421. *Talkhīṣ al-Marām fī Ma'rifat al-Aḥkām*. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yī 'Ilmīyyi-yi Qom).
12. al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja'far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 1987/1408. *Sharā'i' al-Islām fī Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. 2nd. Edited by 'Abd al-Ḥusayn Muḥammad 'Alī Baqqāl. Qom: Mu'assasat Ismā'īlīyān.
13. al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja'far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 1991/1412. *Nihāyat wa Nukatuhā*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
14. al-Hurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1998/1409. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Tahṣīl al-Masā'il al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-turāth.

15. al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣādiq. n.d. *Minhāj al-Fiqāhah*. Qom.
16. al-Ḥusaynī al-Shīrāzī, al-Sayyid Ṣādiq. 2004/1425. *Al-Ta'liqāt 'alā Sharā'i' al-Islām*. 6th. Qom: Intishārāt Istiqlāl.
17. 'Alīdūst, Abulqāsim. 2007/1386. *Fiqh wa 'Urf*. 3rd. Qom: Pazhūhishgāh Farhang wa Andīshih Islāmī.
18. al-Iirawānī, Muḥammad Bāqir. 2015/1394. *Tarjumih wa Sharḥ-i Fārsī-yi Durūs fī 'Ilm al-Uṣūl*. 6th. n.p. Naṣā'ih.
19. al-Khāwansārī, al-Sayyid Aḥmad ibn Yūsuf. 1984/1405. *Jāmi' al-Madārik fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi'*. 2nd. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī. Tehran: Mu'assasat al-Ismā'īliyyān.
20. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *al-Kāfī*. 14th. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
21. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-'Allama al-Majlisī). 1982/1403. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi'a li Durar Akhbār al-'Imma al-Aṭḥār*. 2nd. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
22. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2002/1421. *Kitāb al-Bay'*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
23. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). n.d. *Tahrīr al-Wasīlah*. Qom: Dār al-'Ilm.
24. al-Muzaffar, Muḥammad Riḍā. 2014/1393. *Uṣūl al-Fiqh*. 14th. Būstān-i Kitāb-i Qum (Intishārāt-i Daftar-i Tabliḡhāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yi 'Ilmīyyi-yi Qum).
25. al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1983/1404. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām*. 7th. Edited by 'Abbās al-Qūchānī. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
26. al-Sabzawārī, al-Sayyid Muḥammad Bāqir (al-Muḥaqqiq al-Sabzawārī). 2002/1423. *Kifāyat al-Fiqh (Kifāyat al-Aḥkām)*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
27. al-Ṭabāṭabā'ī al-Yazdī, al-Sayyid Muḥammad Kāzīm. 1994/1415. *Su'āl wa Jawāb*. Tehran: Markaz Nashr 'Ulūm-i Islāmī.
28. al-Ṭabāṭabā'ī al-Yazdī, al-Sayyid Muḥammad Kāzīm. 2000/1421. *Al-Ḥāshīyat lil Makāsib*. 2nd. Qum: Mu'assasat Isma'īliyyān.
29. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1979/1400. *al-Nihāya fī Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatāwā*. 2nd. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
30. 'Andalīb, Sutūdiḥ. *Midhāq-i Sharī'at, Jusṭārī dar I'tibār Sanjī wa Kār Āmadī*. Nashrīyih-yi Fiqh Ahl Bayt ('A). 2012/1391, 18.
31. Ardabīlī, Muḥammad 'Alī. 2018/1397. *Ḥuqūq-i Jazā-yi 'Umūmī*. 48th. Tehran: Nashr Mīzān.

32. 'Azīmī Gurgānī, Hādī. *Ma 'nā Shināsī-yi Tanqīḥ-i Manāṭ-i Muqārinih bā Maḡāhīm-i Mushābih wa Rawish Shināsī Ān*. Nashrīyih-yi Fiqh wa Uṣūl, 1391, 90.
33. Bārīklū, 'Alīrezā. 2006/1385. *Mas 'ulīyat-i Madanī*. Tehran: Nashr Mīzān.
34. Fāḡīl Ābī, Ḥasan. 1996/1417. *Kashf al-Rumūz fī Sharḥ Mukhtaṣar al-Nāfi'*. 3rd. Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
35. Ja'farīyān, Rasūl. 2007/1428. *Rasā'il Hijābīyah*. 2nd. Qom: Intishārāt-i Dalīl-i Mā.
36. Jordan, Patrice. 2012/1391. *Tahīl-i Rawīyih-yi Qaḡāyī dar Zamīnih-yi Mas 'ulīyat-i Madanī*. Translated by Majīd Adīb. 2nd. Tehran: Intishārāt Mīzān.
37. Kalāntarī, 'Alī. *Maḡhūm-i 'Itibār wa Minkānīzm-i Tanqīḥ-i Manāṭ*. Nashr'yih-yi Fiqh wa Uṣūl. 2008/1387. 41, 81.
38. Kāshānī, Ridā. 1987/1408. *Kitāb al-Dīyāt*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
39. Kātūzīyān, Nāṣir. 2005/1384. *Mas 'ulīyat-i Nāshī az 'Eybi Tawlīd*. Tehran: Intishārāt Dānishgāh Tehran.
40. Khatībī, Mahdī. *'Itibār Sanjī-yi Tarākum-i Zunūn dar Farāyand-i Istīnbat*. Justārḥā-yi Fiqhī va Uṣūlī. 2019/1398, 5.
41. Muṣṭarḥīmī, Hidāyatullāh. 1970/1349. *Tarjumih-yi Irshād al-Qulūb*. 3rd. Tehran: Nashr Muṣṭafawī.
42. Muṭaḡḡharī, Murtaḡā. 1982/1361. *Barrasī-yi Fiqhī-yi Mas'alih-yi Bīmih*. Tehran: Intishārāt Mīqāt.
43. Nazārī, Īrandukht. 2013/1392. *Ilzāmhā-yi Bidūn-i Qarārdād*. Tehran: Majīd.
44. Qāsim-Zādīh, Sayyid Murtaḡā. 1997/1378. *Mabānī-yi Mas 'ulīyat-i Madanī*. Tehran: Nashr Dādguṣṭar.
45. Research Group under the supervision of, al-Sayyid Maḡmūd al-Hāshīmī al-Shāhrūdī. 2002/1423. *Mawṣū'at al-Fiqh al-Islāmī Ṭībqan li Maḡḡḡhab Ahl al-Bayt*. Qom: Mu'assasat Dā'irat al-Ma'ārif al-Fiqh al-Islāmī Ṭībqan li Maḡḡḡhab Ahl al-Bayt.
46. Ṣafāyī, Sayyid Ḥusayn; Raḡīmī, Ḥabībullāh. 2018/1397. *Mas 'ulīyat-i Madanī-yi Taṭbīqī*. Tehran: Nashr-i Dānish.
47. Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḡammad Ṣādiq; Shinīwar, Qādir. *Guṣṭarih-yi Mas 'ulīyat-i Madanī-yi Bīmārīstān dar Barābar-i Bīmār*. Faṣlnāmih-yi Ḥuqūq-i Pizishkī, 2014/1397, 31.
48. Tabrīzī, Abū Ṭālib. 2000/1421. *Al-Ta'liqat al-Istidlālīyat 'alā Tahṭīr al-Wasīlah*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
49. Yazdānī, Muḡammad Mahdī; Ṣābirī, Ḥusayn. *Ta'mīm-i Ḥukm bih Istīnād-i Kashf-i 'Illat az Dīdgāh-i Imām Khumaynī*. Majalīh-yi Pazhūhish-hāyi Fiqhī. 2010/1389, 6, 2.